

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۴

یوحنا ۱:۱۹-۲:۱۲

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه چهارم، شهادت یوحنا و اولین نشانه عیسی در جلیل است. یوحنا ۱:۱۹-۲:۱۲.

سلام دوباره، دیوید ترنر و ما در حال کار بر روی چهارمین ویدیوی خود از مجموعه ویدیوهای یوحنا برای آموزش الکترونیکی کتاب مقدس هستیم. ما به تازگی ویدیوی خود را در مورد مقدمه انجیل یوحنا تکمیل کردیم، که در آن به نحوه ساختار بندی دقیق مقدمه توسط یوحنا و طرح بندی آن و تأکید دقیق بر موضوعاتی که اکنون قرار است در ادامه روایت به ما نشان دهد، پرداختیم. بنابراین، از اینجا به بعد در یوحنا، به بررسی روایت خواهیم پرداخت.

البته، مقدمه، ژانری نسبتاً متفاوت از روایت دارد. بنابراین، ما بیشتر به سیر تاریخی از ابتدا تا انتهای یک قسمت یا صحنه در کتاب مقدس نگاه می‌کنیم. سعی خواهیم کرد آن را صحنه به صحنه پیش ببریم، حتی زمانی که در هر ویدیو بیش از یک صحنه را روایت می‌کنیم تا داستان را به عنوان یک داستان تفسیر کنیم.

ما قبلاً در مورد ژانر انجیل یوحنا و اینکه چگونه این کتاب معنا می‌بخشد صحبت کردیم. این کتاب با روایت داستان‌ها به صورت مرحله به مرحله معنا می‌بخشد. بنابراین، به جای اینکه فقط آیاتی را به طور تصادفی انتخاب کنیم که ممکن است به هر دلیل تصادفی در زندگی‌مان که آن روز تجربه کرده‌ایم، برای ما مهم به نظر برسند، خوب است وقتی به هر کتاب روایی کتاب مقدس، چه رسد به یوحنا، نگاه می‌کنیم، ببینیم آیاتی که دوست داریم چگونه در داستانی که روایت می‌شود قرار گرفته‌اند و قبل از اینکه شروع به استفاده از آنها، برای خودمان کنیم و آنها را با فونت‌های زیبا بنویسیم و روی پلاک‌هایی روی دیوار آشپزخانه نصب کنیم، مطمئن شویم که آنها را در آن زمینه درک می‌کنیم.

بنابراین، بایید سعی کنیم از نصب فوری لوح‌های یوحنا اجتناب کنیم و به آن همانطور که در داستان به ما می‌رسد نگاه کنیم و سپس در صورت لزوم پس از انجام این نوع کارها، لوح‌ها را بسازیم. بنابراین، ما در این ویدیو سعی داریم جریان انجیل یوحنا را از فصل ۱ آیه ۱۹ تا فصل ۲ آیه ۱۲ درک کنیم. در تمام این ویدیوهای روایی، تمرین ما این خواهد بود که ابتدا جریان روایی را مورد بحث قرار دهیم، و فقط مروری بر آنچه که به عنوان اتفاق ارائه می‌شود، ارائه دهیم.

سپس اگر نکته‌ی جالبی در مورد نحوه‌ی روایت داستان وجود داشته باشد، در مورد نحوه‌ی چیدمان اتفاقات در ساختار آن فکر خواهیم کرد. سپس مواردی از داستان را که برای بحث بیشتر ارزشمند و جالب به نظر می‌رسند، انتخاب خواهیم کرد. گاهی اوقات این موارد، موارد دستوری، گاهی موارد پیش‌زمینه، موارد تاریخی یا جغرافیایی و گاهی اوقات نیز صرفاً سوالات تفسیری و کلامی خواهند بود.

بنابراین، ما فقط با خلاصه‌ای از آنچه در متن آمده شروع می‌کنیم و به این فکر می‌کنیم که چگونه این متون از نظر ساختاری به ما ارائه شده‌اند و سعی می‌کنیم فقط برخی از نکات موضوعی را که به نظر می‌رسد برای مطالعه بیشتر ارزشمند هستند، در نظر بگیریم. بنابراین، وقتی شروع به بررسی جریان روایی یوحنا ۱:۱۹ تا فصل ۲:۱۲ می‌کنیم، به این نگاه می‌کنیم که چگونه یحیی تعمید دهنده، که در مقدمه کتاب از او نام برده شده است، اکنون به نوعی شروع به هدایت مردم به سمت عیسی می‌کند. و اگر یحیی نمی‌دانست مأموریت او از جانب خدا چیست، ممکن بود برای او نوعی وضعیت ناامیدکننده باشد، زیرا با ادامه فصل، او شاگردان

خود را از دست می‌دهد زیرا او به عیسی اشاره می‌کند و شاگردانش پیام را دریافت می‌کنند و آنها به دنبال عیسی می‌روند.

در فصل ۳، یوحنا کلماتی در مورد اینکه او باید افزایش یابد و من باید کاهش یابم، دارد، اما در اینجا در فصل ۱ می‌بینیم که این اتفاق در مقابل چشمان ما رخ می‌دهد. بنابراین، وقتی به فصل ۱ یوحنا آیات ۱۹ تا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یوحنا شهادت خود را می‌دهد و اولین کسی که با او صحبت می‌کند گروهی از ۳۴ مردم هستند که به صحرای یهودیه آمده‌اند، ظاهراً از اورشلیم، تا بفهمند که او در آنجا چه می‌کند. ظاهراً گزارش‌هایی به مقامات اورشلیم رسیده بود و آنها می‌خواستند بدانند که در صحرا چه اتفاقی می‌افتد.

شاید آنها از یک جنبش مسیحایی مردمی که تمایل به شورش علیه روم داشت، می‌ترسیدند و می‌خواستند از این موضوع مطلع شوند و از ایجاد مشکل بزرگ جلوگیری کنند. بنابراین، ما در آیه ۱:۱۹ شروع به خواندن می‌کنیم که در آن شهادت یوحنا آمده است. این بسیار مهم است که روایت یوحنا به این شکل شروع می‌شود زیرا در مقدمه در مورد شهادت یوحنا به ما گفته شده است و اکنون اولین کلمات روایت با این شروع می‌شود: «می‌شود»: این شهادت یوحنا بود.

این شهادت یحیی است وقتی که رهبران یهودی در اورشلیم، کاهنان و لایوان از او پرسیدند که او کیست بنابراین، او می‌گوید که من مسیح نیستم و بنابراین ما این بازجویی جالب را داریم که به نوعی از لیست خارج می‌شود. خب، نه از لیست مسیح.

از او می‌پرسند پس تو کی هستی؟ آیا تو الیاس هستی؟ نه. آن مربع را علامت بزن. آیا تو پیامبر هستی؟ نه.

اون گزینه رو تیک بزن. بعد آخرش میگن خب پس تو کی هستی؟ این تمام گزینه‌هایی بود که داشتن به. جواب به ما بده.

بنابراین، یوحنا با زبان اشعیا پاسخ می‌دهد: «من همان کسی هستم که در بیابان فریاد می‌زند. راه را برای خداوند هموار کنید». سپس به فصل ۴۰ اشعیا اشاره می‌کند که در آن به نظر می‌رسد اشعیا از چیزی در مورد یک خروج جدید و مسطح کردن تپه‌ها و دره‌های بیابان صحبت می‌کند تا مسیر خداوند هموار شود.

سپس از او در مورد غسل تعمیدش سؤال می‌پرسند و او می‌گوید من در آب تعمید می‌دهم، آیه ۲۶، اما در میان شما کسی ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید. او بعد از من می‌آید و من لایق نیستم که بند صندل‌هایش را باز کنم. گاهی اوقات دوست دارم بگویم که لایق نیستم کفش‌هایش را واکس بزنم، اما حدس می‌زنم آن یک موقعیت فرهنگی متفاوت باشد.

بنابراین، این اولین مواجهه‌ی شهادت یوحنا است، زمانی که او هویت خود و کاری را که برای رهبران یهود انجام می‌دهد توضیح می‌دهد، اما ما به بخش بعدی آن می‌رسیم، جایی که او مستقیماً در مورد عیسی صحبت می‌کند، وقتی که در آیه ۲۹ عیسی را می‌بیند که به سمت او می‌آید و از زبانی استفاده می‌کند که می‌گوید، بنگرید یا ببینید بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد. وقتی او از اصطلاح بره برای توصیف عیسی استفاده می‌کند، تمام زبان عهد عتیق در مورد بره قربانی را تداعی می‌کند، شاید با تمرکز بر عید فصح و تمام قربانی‌های دیگر معبد که شامل بره‌ها می‌شود. ما حتی می‌توانیم روشی را که عیسی نه تنها با بخشیدن گناه کسانی که به او روی می‌آورند، بلکه با داوری کسانی که به او روی نمی‌آورند و از بین بردن گناه از جهان، گناه جهان را برمی‌دارد، باز کنیم.

مطمئنناً، هر دوی اینها بخشی از کار عیسی مسیح هستند. بنابراین، یوحنا در این بخش به توصیف عیسی ادامه می‌دهد و در آیه ۳۳ از او به عنوان کسی که قرار است با روح القدس تعمید دهد، صحبت می‌کند. این

بخش بسیار مهمی از روایت یوحنا خواهد شد، زمانی که عیسی به ویژه در سخنرانی خداحافظی از روح به عنوان کسی که خواهد آمد تا حضور خدا را که عیسی آشکار کرده بود، با شاگردان ادامه دهد، صحبت می‌کند.

بنابراین، شهادت یحیی به عیسی این است که او نجات‌دهنده است، او بره خداست و او می‌داند که عیسی کیست، زیرا روح القدس کسی است که بر او نازل می‌شود، آیه ۳۳، و می‌ماند. من فکر می‌کنم این ایده که روح القدس نازل می‌شود و بر او می‌ماند، نکته‌ای حیاتی است. اینکه یحیی دقیقاً چگونه این اتفاق را دید و آن را پیش‌بینی کرد، در انجیل یوحنا مشخص نیست.

البته در انجیل‌های هم‌نوا، این موضوع زمانی اتفاق افتاد که یحیی، عیسی را غسل تعمید داد و چیزی شبیه به یک تجلی الهی در آنجا رخ داد که روح خدا می‌توانست به صورت کبوتری که بر عیسی نازل می‌شد، دیده شود. غسل تعمید و روایت کبوتر واقعاً در اینجا در انجیل یوحنا وجود ندارد، اما یوحنا چیزی در مورد فرود آمدن روح از آسمان به صورت کبوتر به ما می‌گوید، اینکه آیا او چیزی شبیه کبوتر دیده یا این فقط یک تشبیه است، در آیه ۳۲ برای من مشخص نیست، اما او می‌گوید که من می‌دانم و شهادت می‌دهم که این برگزیده خداست. بنابراین، در این مرحله، اولین شاگردان عیسی شروع به آمدن به نزد او می‌کنند و البته، آنها افرادی هستند که پیرو یحیی بوده‌اند.

بنابراین، ما ابتدا اندرو و پطرس را در آیات ۳۵ تا ۴۲ و فیلیپ و نتنائیل را در آیات ۴۳ تا ۵۱ می‌بینیم و جالب است که ببینیم این افراد چگونه با عیسی تعامل دارند و چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند. دو نفر اول اندرو و پطرس، جالب هستند زیرا آنها به نوعی فقط عیسی را دنبال می‌کنند و چیز زیادی نمی‌گویند، بنابراین او برمی‌گردد و آنها را می‌بیند که دنبالش می‌روند و می‌گوید چه می‌خواهید که نوعی روش جالب برای شروع پیروی از عیسی است. بنابراین، آنها می‌گویند کجا می‌گویید؟ او می‌گوید بیا و خواهی دید که این نوعی روش مرموز برای توصیف چیزها است و مطمئنم که بیا و خواهی دید که بیشتر از آنچه متوجه می‌شوید، خواهید دید.

وقتی فصل به پایان می‌رسد و عیسی در فصل ۱ آیه ۵۱ با نتنائیل صحبت می‌کند، می‌گوید اگر از اینکه توانستم بفهمم وقتی در مورد آمدن هیچ چیز خوبی از ناصره نظر دادی، زیر درخت انجیر بودی تعجب می‌کنی، هنوز چیزی ندیده‌ای، آسمان را خواهی دید که گشوده شده و فرشتگان خدا بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند. جالب است که آیه ۳۹ می‌آید و به نوعی آیه ۵۱ را پیشگویی می‌کند. بنابراین، ما دو نفر اول اندرو و پطرس را داریم و سپس فیلیپ و نتنائیل را در ۴۳ و بعد از آن داریم.

روز بعد، عیسی تصمیم گرفت به جلیل برود و فیلیپ را پیدا کرد و به او گفت: «از پی من بیا». فیلیپ مانند اندریاس و پطرس اهل بیت صیدا بود. وقتی فیلیپ نتنائیل را پیدا کرد و به او گفت که ما همان کسی را پیدا کرده‌ایم که موسی در تورات درباره‌اش نوشته است، همان کسی که انبیا درباره‌اش نوشته‌اند: عیسی ناصری. پسر یوسف. پاسخ نتنائیل بسیار جالب بود. او اساساً هر چه به ذهنش رسید را گفت و کمی هم اغراق نکرد. او فریاد زد: «آیا ناصره می‌تواند از آنجا چیز خوبی بیرون بیاورد؟» و فیلیپ گفت: «بیا و ببین». و تقریباً در آیه ۴۶ همان چیزی را که عیسی در آیه ۳۸ به او گفته بود، تکرار کرد.

بنابراین، عیسی دید که نتنائیل نزدیک می‌شود و می‌گوید که او واقعاً یک اسرائیلی است که در او هیچ مکرری نیست. به نوعی نتنائیل متوجه شد که وقتی عیسی این را گفت، مستقیماً به قلب او نگاه کرد و فهمید که او کیست و حتی تلویحاً گفت که آنچه را که او درباره عیسی گفته بود، شنیده است. نتنائیل می‌گوید من را از کجا می‌شناسی؟ عیسی می‌گوید من تو را دیدم در حالی که هنوز زیر درخت انجیر بودی قبل از اینکه فیلیپ تو را صدا بزند. همین برای نتنائیل کافی است تا بگوید ربی، تو پسر خدایی، تو پادشاه اسرائیل هستی و عیسی اساساً به او می‌گوید عبارتی که همیشه در فرهنگ عامه می‌شنویم: تو هنوز چیزی ندیده‌ای و با آخرین

کلمات اینجا در فصل ۱ آیه ۵۱، او به نوعی به کتاب پیدایش برمی گردد و تجربه یعقوب را در کتاب پیدایش توصیف می کند.

بنابراین، ما اولین شاگردان عیسی، اندرو و پطرس، فیلیپ و نتنائیل را داریم. احتمالاً باید چیزی را که لحظه‌ای پیش از آن غافل شدیم، در اینجا ذکر کنیم، یعنی اینکه عیسی در آیه ۴۲ به پطرس اشاره می کند عیسی به او نگاه کرد و گفت: تو شمعون پسر یوحنا هستی و از این پس کیفا نامیده خواهی شد که به زبان آرامی است. ظاهراً کیا با کلمه یونانی پطرس مرتبط است که بعداً در این انجیل توصیف او را خواهیم شنید. بنابراین، اکنون که اولین شاگردانش را پذیرفته‌ایم، به ما گفته می شود که عیسی به یک جشن عروسی در قانای جلیل دعوت شده است و در آنجا یک مشکل شرم آور وجود دارد که او را به انجام اولین معجزه خود سوق می دهد.

مادر عیسی پیش او می آید و می گوید که شراب ندارند، شرابشان تمام شده است. احتمالاً برای ما در ایالات متحده و سایر کشورهای جهان درک نقش شراب در این فرهنگ باستانی دشوار است. برخی از ما شاید از پیشینه‌های مذهبی هستیم که در آنها استفاده از الکل به هر شکلی ناپسند است و به برخی دیگر آموخته شده است که از هر نوع نوشیدنی الکلی به عنوان یک اصل مذهبی پرهیز کنند.

دیگران به خوبی از آسیب‌هایی که اعتیاد به الکل می تواند در خانواده‌ها و جوامع ایجاد کند، آگاه هستند. در دوران باستان، به ویژه در اسرائیل، هیچ یک از این دیدگاه‌ها در مورد الکل چندان شناخته شده نبود، زیرا شراب الکلی صرفاً یک امرار معاش بود. بنابراین، می توانید یک تاکستان داشته باشید و انگور داشته باشید می توانید هر چقدر که می خواهید بخورید، اما نمی توانید آنها را به سرعت بخورید و واقعاً نمی توانید آنها را به خوبی نگهداری کنید، بنابراین شراب درست می کنید و با آن امرار معاش می کنید و آن را با آب مخلوط می کنید، در دوران باستان آن را مستقیماً نمی نوشیدید.

بنابراین، تمام شدن شراب در یک جشن بزرگ مذهبی ازدواج در آن روز، برای میزبان جشن، خانواده، به ویژه پدر عروس (یا داماد) هر کسی که میزبان جشن بود (چیز بسیار شرم‌آوری بود. بنابراین، وقتی مریم نزد عیسی می آید و می گوید که شراب ندارند، به این سادگی نیست که به فروشگاه رفاه بروند و یک جعبه جدید یا هر چیز دیگری بخرند. شما باید به روستای بعدی یا هر جای دیگری بروید تا آن را تهیه کنید، در غیر این صورت نمی توانید خیلی سریع از صفر شروع کنید.

بنابراین، عیسی راه حل را با روشی تقریباً پنهانی انجام می دهد. او به سادگی آبی را که برای تطهیر در ظروف سنگی بود، می گیرد و آن را به شراب تبدیل می کند، بدون اینکه حتی به افراد زیادی اطلاع دهد که چه اتفاقی افتاده است. فقط خدمتکارانی که آب را گرفته بودند، در ابتدا می دانستند که چه اتفاقی افتاده است همانطور که در آیه ۹ به ما گفته شده است. با این حال، به محض اینکه مردم شروع به نوشیدن شرابی کردند که عیسی از آن آب درست کرده بود، میزبان ضیافت، رئیس جشن، همه داماد را به کناری فراخواند و گفت که بقیه ابتدا شراب خوب را می نوشند و سپس پس از اینکه مردم مدتی نوشیدند و شاید به اندازه شراب ارزان‌تر تشخیص نمی دهند، شراب خوب را می نوشند.

اما او گفت که تا الان بهترین را نگه داشته‌ای. نمی دانم کسی که این را شنیده بود چه فکری می کرد، چون احتمالاً می دانسته که آب باعث شده شرابشان تمام شود. پس حتماً این برایش خیلی جالب بوده است.

بنابراین، ما در انتهای بخش آیه ۱۱ توضیحی داریم که می گوید آنچه عیسی اینجا در قانای جلیل انجام داد اولین نشانه از نشانه‌هایی بود که از طریق آن جلال خود را آشکار کرد. بنابراین، اکنون از مقدمه‌ای که در نوار قبلی به آن نگاه کردیم، به یاد می آوریم که عیسی به عنوان وحی نهایی جلال خدا، تفسیر خدا، ظاهر شد و با این عمل تبدیل آب به شراب، او در واقع جلال خدا را آشکار می کند. شاید ما در درک همه اینها در

فرهنگ خود مشکل داشته باشیم، اما فکر می‌کنم در فرهنگ باستان به دلیل نحوه استفاده از شراب به عنوان وسیله‌ای برای امرار معاش و همچنین به عنوان پیشگویی نبوی در مورد برکت خدا در آینده، می‌توانیم درک بهتری از آن داشته باشیم.

کمی بعد به این موضوع برمی‌گردیم. بنابراین، اکنون به بررسی یک روشی که محققان از ۱۱۹ تا ۲۱۲ به این بخش نگاه کرده‌اند می‌پردازیم و من آن را برای شما شرح می‌دهم. مطمئن نیستم که فکر می‌کنم این موضوع آنقدر مهم باشد، اما فکر می‌کنم از پیشگفتار یوحنا مشخص است که یوحنا درباره خلقت جدید صحبت می‌کند.

عیسی همان کسی است که نور و حیات را به جهان می‌آورد، همانطور که خالق اصلی بود. بنابراین، او بار دیگر از طریق پیام خود نور و حیات را به جهان می‌آورد. بنابراین، ما به نوعی در مقدمه یوحنا به نوعی نوسازی و تجدید خلقت اشاره کرده‌ایم.

برخی این دیدگاه را اتخاذ می‌کنند و سپس می‌گویند آنچه در باب ۱:۱۹ تا ۲:۱۲ داریم این است که هفت روز خلقت جدید داریم. بنابراین، ۱:۱۹ تا ۲۸ یک روز خواهد بود و سپس روز بعد، روز دوم، روز سوم، روز چهارم و سپس در روز سوم پس از آن چهار به علاوه سه می‌شود هفت. بنابراین، جشن عروسی در قانای جلیل در آن زمان پایان آن هفته اول بوده است، فکر می‌کنم شما بگویید هفت روز خلقت جدید.

من مطمئن نیستم که این موضوع مهمی باشد، اما کسانی هستند که یوحنا را مطالعه می‌کنند و فکر می‌کنند که این موضوع مهمی است، بنابراین اگر مایل باشید بعداً به آن نگاهی بیندازید، آن را برای مطالعه خودتان به شما ارائه می‌دهم. در برخی از جزئیات جغرافیایی، کاهنان اعظم از اورشلیم، نمایندگانی از آنها، حداقل در بیابان به دیدار یوحنا رفته‌اند و به بیت‌عنیا در آن سوی اردن تا جلیل، تا بیت‌صیدا، کفرناحوم و قانا اشاره شده است. بنابراین، اینجا جشن شراب، جشن عروسی در قانای جلیل است.

اینکه نمایندگانی از اورشلیم به اینجا آمدند تا با یحیی ملاقات کنند، در مورد اینکه یحیی قبلاً کجا خدمت می‌کرد، بحث‌برانگیز است. برخی فکر می‌کنند که یحیی درست در شمال شرقی دریای مرده خدمت می‌کرد. برخی دیگر فکر می‌کنند که او در منطقه‌ی رودخانه‌ی یرموک در سمت شرقی اردن خدمت می‌کرد و ما بعداً وقتی عیسی در پایان فصل ۱۰ یوحنا به این منطقه برمی‌گردد، بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد.

بنابراین آن مناطق به عنوان اشاره‌ای به روستای بیت‌صیدا که در شمال و کمی به سمت شرق دریای جلیل قرار دارد، در نظر گرفته شده‌اند. همچنین اشاره‌هایی به کفرناحوم که در شمال غربی دریای مرده (دریای جلیل (و البته قانا) روستای قانا) قرار دارد. بنابراین، این مفاهیم جغرافیایی متن است.

بنابراین، ما تصاویری از مکان‌هایی داریم که به احتمال زیاد همان قانای جلیل در دوران باستان هستند، اگرچه در این مورد بحث‌هایی وجود دارد. این روستا در حدود سه مایلی شمال شرقی ناصره قرار دارد. به طور سنتی با قانای جلیل مرتبط بوده است.

می‌بینید که نام آن احتمالاً از عهد جدید گرفته شده است. بنابراین در این شهر، مکانی وجود دارد که در واقع آن را کلیسای عروسی می‌نامند و روی کلیسای عروسی اینجا روی بالکن، یک کتیبه لاتین زیبا وجود دارد. آنها در قانای جلیل عروسی داشتند و مادر عیسی آنجا بود.

بنابراین این عنوان مجسمه آنهاست. در زیرزمین آن کلیسا، یک ظرف سنگی قدیمی جالب وجود دارد که به زیارتگاهی برای دعا تبدیل شده است و بنابراین مردم دعا‌های خود را در یک طاقچه بالای آن می‌گذارند. من

نمی‌دانم که آیا باستان‌شناسان این ظرف سنگی قدیمی را بررسی کرده‌اند تا مشخص کنند که آیا ارتباطی با نوع ظرفی که در فصل دوم یوحنا استفاده شده است، دارد یا خیر. این ظروف از سنگ ساخته شده بودند زیرا طبق قانون خاخم‌ها، سنگ ناخالصی آیینی پیدا نمی‌کرد و می‌توانست مدت زمان بیشتری نگهداری شود.

اگر ظروف سفالی حاوی هرگونه ناخالصی آیینی بودند، باید شکسته و دور انداخته می‌شدند. در کلیسای دیگری در قانای جلیل، ظرف مشابهی وجود دارد. این یک کلیسای ارتدکس یونانی است.

کلیسای قبلی یک کلیسای کاتولیک رومی بود، اما وضعیت دیگری را در آنجا می‌بینید. بنابراین، به گردشگرانی که به جایی که احتمالاً قانا است می‌روند، چند مکان مختلف نشان داده می‌شود که یادگارهایی از زمان عیسی دارند. شاید، چه کسی می‌داند؟ من نمی‌دانم.

ما همچنین در متن به کفرناحوم اشاره کرده‌ایم. بنابراین، این یک نمای هوایی از کفرناحوم درست پس از کاوش‌ها در سال ۱۹۷۲ است.

این سازه هشت ضلعی به طور سنتی مکانی است که در آن یک بنای یادبود باستانی بر روی ویرانه‌های پایین‌تری که ظاهراً خانه پطرس بوده‌اند، ساخته شده است. سنت این کار به قرون اولیه برمی‌گردد. در سمت راست آن، جایی است که گاهی اوقات کنیسه سفید نامیده می‌شود، کنیسه‌ای در کفرناحوم.

همانطور که از انجیل‌ها می‌دانیم، عیسی زمان زیادی را در این کنیسه در کفرناحوم گذراند. با این حال کنیسه‌ای که امروز در خرابه‌ها می‌بینیم مربوط به قرن سوم یا چهارم است و بهترین چیزی که می‌توانیم به آن امیدوار باشیم این است که این کنیسه شاید بر روی پایه کنیسه قبلی که عیسی در آن خدمت می‌کرده ساخته شده باشد. این کنیسه از پایین بیشتر از شمال به سمت جنوب دیده می‌شود و در اینجا می‌توانید دیوارهای سنگی مستطیلی قدیمی‌تری را ببینید که بر روی آنها بنای یادبود هشت ضلعی برای پطرس در دوران باستان ساخته شده است.

اینجا کنیسه خواهد بود و بقیه روستا بین آنها قرار خواهد گرفت. آنجا نمای نزدیک‌تری از خانه سنتی سنت پیتر است. شخصی سعی کرده نشان دهد که قبل از اینکه همه یادبودهای ثانویه روی آن ساخته شوند، آنجا چه شکلی بوده است.

از زمان گرفته شدن آن عکس‌ها، یک کلیسای کاتولیک رومی بر فراز خانه‌ی پطرس، خانه‌ی سنتی پطرس ساخته شده است. همانطور که می‌بینید، آنها تا حدودی کنیسه را با بلوک‌های ساختمانی که در محل جمع‌آوری کرده‌اند، مرمت کرده و آنها را به جای اصلی خود برگردانده‌اند. بنابراین، اگر امروز به کفرناحوم سفر می‌کنید، به عنوان یک توریست به اسرائیل می‌روید، باید از اینجا و با این پله‌ها وارد کلیسا شوید.

وقتی وارد کلیسا می‌شوید، مرکز آن باز است. می‌توانید خانه سنتی پطرس را در کفرناحوم ببینید. جالب اینجاست که برخی از بقایای باستان‌شناسی شامل یک ستاره داوود است، که فکر می‌کنم یکی از قدیمی‌ترین ستاره‌هایی است که تا به حال کشف شده است، و همچنین یک تصویر جالب از صندوق عهد با چرخ.

اما من فکر نمی‌کنم که این روشی بود که قرار بود طبق تورات ساخته شده باشد. بنابراین، وقتی به یحیی تعمید دهنده و عیسی فکر می‌کنیم که از جغرافیا به شهادت یحیی می‌روند، جالب است که به جزئیات آنچه در مقدمه در مورد یحیی به ما گفته شده و چگونگی وقوع آن توجه کنیم. در مقدمه به ما گفته شده که یحیی نور نبود و در آیه ۱۵ به ما گفته شده است که یحیی گفت، او که پس از من می‌آید، پیش از من بوده است.

بنابراین، آنچه او در فصل اول به عنوان آغاز روایت می‌گوید، تا حد زیادی به این موضوع می‌پردازد. من مسیح نیستم، من فقط با آب تعمید دادم. بنگرید، شخص دیگری بره خدا است، نه من.

کسی که می‌بینید روح بر او نازل شده و بر او قرار گرفته، همان کسی است که باید به دنبالش بگردید. اینک بره خدا. شهادت یوحنا در اینجا کاملاً واضح است و بعداً در فصل‌های ۳ و ۵ و حتی در اواخر یوحنا، یعنی فصل ۱۰، بیشتر در مورد آن خواهیم دید.

ما در فصل اول انجیل یوحنا چند عنوان مسیحایی بسیار جالب داریم. می‌توانیم کل این مجموعه ویدیویی را برداریم و فقط آنچه را که این عناوین می‌گویند، بسط دهیم، اما شگفت‌انگیز است که چه تعداد عنوان مختلف فقط در این بخش‌های اولیه این فصل وجود دارد. عیسی مسیح نامیده می‌شود. این همان مسح شده خواهد بود.

ما در عهد عتیق، به ویژه در اشعیا ۶۱ و دانیال باب ۹، اشاراتی به این موضوع داریم. از یوحنا پرسیده می‌شود که آیا او پیامبر است. اصطلاح پیامبر احتمالاً به متنی در تثنیه ۱۸ اشاره دارد که در آن به موسی گفته می‌شود که خداوند پیامبر دیگری مانند او خواهد فرستاد که سخنانش باید توسط قوم اسرائیل مورد توجه قرار گیرد و اگر این کار را نکنند، عواقبی در پی خواهد داشت. این عبارت پیامبر دوباره در یوحنا باب ۶ پس از اینکه عیسی جمعیت زیادی را در آنجا غذا داد، آمده است.

این یک روش رایج برای تفکر در مورد یک شخصیت مسیحایی بود، پیامبری که مانند موسی از تثنیه ۱۸ خواهد آمد. همچنین، او در این فصل چند بار بره خدا نامیده می‌شود، که احتمالاً اشاره به حداقل تداعی تصویر بره ای دارد که به ذبح برده می‌شود و ساکت است. پسر خدا، نماینده خدا، کسی که نماینده خدا بر روی زمین است.

اصطلاح ربی به سادگی به معنای معلم یا بزرگ من است. دوباره مسیح در آیه ۴۱. پادشاه اسرائیل آیه ۴۹.

پسر انسان در آیه ۵۱، که احتمالاً دوباره به فصل ۷ کتاب دانیال اشاره دارد. همه این عناوین بسیار مهم هستند و بسیاری از آنها بعداً در انجیل یوحنا مطرح خواهند شد و ما فرصتی خواهیم داشت تا دوباره به آنها نگاه کنیم. وقتی گفته شد که ما کسی را که موسی و انبیا درباره او نوشته‌اند، یافته‌ایم، می‌توانید به بسیاری از متون مختلف عهد عتیق فکر کنید که ممکن است با این نظر مرتبط بوده باشند.

اگر به عهد عتیق برگردیم و آن را به روشی که یوحنا می‌خواند، بخوانیم، آنگاه خواهیم فهمید که صدای خدا در پیدایش فصل ۱، «بگذار نور باشد»، صدای عیسی بود. خواهیم فهمید که وقتی موسی در خروج ۳۳ می‌خواست نگاه بهتری به خدا داشته باشد، آنچه واقعاً می‌خواست ببیند، عیسی بود که جلال خدا را به طور کامل آشکار کرد. وقتی به این نگاه می‌کنیم که چگونه از یحیی می‌پرسیدند که آیا او پیامبر است و اگر او می‌گفت که نیست، او صدای بیابان بود.

با اشاره به اشعیا ۴۰ و همچنین تثنیه ۸. اشعیا ۵۳ در یوحنا ۱:۲۹. یوحنا ۱:۳۲ و ۳۳ از نزول روح و ماندن آن بر او صحبت می‌کند. اشعیا ۴۲ در مورد چگونگی فرستادن روح خدا به سوی برگزیده‌اش صحبت می‌کند. اشاره به مسیح در ۱:۴۱ ممکن است به دانیال ۹:۲۵ و متون دیگر اشاره داشته باشد.

فرشتگانی که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند، فصل ۲۸ آیه ۱۲ پیدایش و تجربه یعقوب در آنجا را به یاد می‌آورند. در نهایت، در فصل ۲ آیه ۳، در جشن عروسی و آنها شرابی نداشتند، شاید بتواند اشاره‌ای به مزمور ۱۰۴ و آیه ۱۵ باشد. این باعث می‌شود که ما به این فکر کنیم که چگونه آب و شراب می‌توانند نمادی از چیزی در اینجا در فصل ۲ یوحنا باشند. حداقل در یوحنا ۲ محتمل است که به ما گفته شود این

معجزه نه تنها برای نشان دادن قدرت عیسی بر طبیعت، توانایی او در تبدیل آب به شراب، بلکه برای صحبت به شیوه‌ای نمادین اما نبوی در مورد چگونگی رسیدن آینده خدا برای اسرائیل است.

بنابراین، در انجیل یوحنا مطالب زیادی در مورد آب برای گفتن داریم. در بسیاری از فصل‌ها از آن استفاده شده است و وقتی از اینجا در فصل ۲ عبور کنیم، آب به یک چیز بسیار خوب و بسیار مثبت تبدیل می‌شود. شاید تصاویر عهد عتیق مانند حزقیال ۳۶ پشت آن باشد، زیرا در حزقیال ۳۶ به ما گفته شده است که خدا آب پاک را بر اسرائیل خواهد ریخت و به آنها روح جدید و قلب جدیدی خواهد بخشید.

بنابراین، آب و پاکی معنوی در اینجا در حزقیال ۳۶ به هم مرتبط هستند، بنابراین تعجب نمی‌کنیم که آن را در یوحنا ۷، یوحنا ۴ و همچنین وقتی عیسی در فصل ۳ و آیه ۵ با نیکودیموس صحبت می‌کند، پیدا کنیم به نظر شما چرا یحیی تعمید می‌داد تا مردم را به فکر نیاز به مسیح بیندازد؟ زیرا اسرائیل نیاز به تطهیر داشت. بنابراین، شستشو با آب، اگر نگوییم مقدس، نمادین، از پاکسازی معنوی و احیای معنوی بود که خدا در اسرائیل ایجاد می‌کرد. در مورد شراب چطور؟ خب، اگر همه این متون عهد عتیق را بخوانیم و در مورد آنها فکر کنیم و سعی کنیم دیدگاه‌های فرهنگی مدرن خود را در مورد الکل فقط برای یک لحظه کنار بگذاریم، خواهیم آموخت که شراب هدیه‌ای برگزیده از جانب خدا به قوم اسرائیل بود. داشتن محصول فراوان انگور و توانایی خوردن انگور و تهیه شراب، نشانه برکت خدا بود، نه فقط در آن روز، بلکه راهی بود که شما از طریق آن از آینده نبوی صحبت می‌کردید.

بنابراین، اگر شروع به خواندن برخی از این متون در اشعیا و ارمیا و یوئیل کنید، خواهید آموخت که شراب راهی برای توصیف نعمت بزرگ خدا بود، زمانی که اسرائیل در آینده، زمانی که خدا اسرائیل را به رفاه بازی‌گرداند، کامل‌ترین نعمت خدا را دریافت خواهد کرد. بخشی از این رفاه، فراوانی شراب خواهد بود. همه اینها برای این است که بگوییم شکی نیست که عهد عتیق مستی و مصرف بیش از حد الکل را محکوم می‌کند، و ما متون زیادی در مورد آن در امثال و همچنین در انبیا می‌خوانیم که چگونه مستی گناهی است که باید از آن اجتناب کرد.

ما قطعاً می‌توانیم این را در فرهنگ مدرن خود، نتایج الکلیسم، ببینیم. با این حال، سوءاستفاده از یک هدیه خوب از جانب خدا به معنای گفتن این نیست که چیزی شبیه به این به خودی خود چیز بدی است. بنابراین، در متن نبوی من، که از برکت فراوان خداوند به اسرائیل در آینده با شراب فراوان صحبت می‌کند و با مقایسه موسی و عیسی در فصل ۱، آیات ۱۴ تا ۱۸، به نظر من تبدیل آب به شراب توسط عیسی شاید راهی برای صحبت در مورد این است که آینده اسرائیل صرفاً به پاکی آیینی محدود نخواهد شد.

به یاد خواهید آورد که چگونه قرار بود از کوزه‌های سنگی پر از آب به عنوان تطهیر آیینی استفاده شود، و طبق یوحنا ۲، تطهیر آیینی، پیروی واقعی از خدا صرفاً تطهیر آیینی نیست، نه اینکه این به خودی خود چیز بدی باشد، بلکه تجربه شراب برکت آخرت‌شناختی خدا نیز هست. بنابراین، برکت خدا چیزی بیش از تطهیر خود با آب است. همچنین انتظار برای رسیدن برکت نهایی خدا به اسرائیل است که در اینجا با شرابی که عیسی می‌آفریند، نشان داده شده است.

بنابراین، من فکر می‌کنم این اهمیت نبوی دارد و نشان می‌دهد که عیسی اکنون طلوع برکت آخرالزمانی خدا را به قوم اسرائیل نشان می‌دهد. و از این به بعد، حتی در انجیل یوحنا، آب به یک چیز بسیار خوب تبدیل می‌شود، یک چیز مهم به روشی که نحوه بیان عیسی در مورد آب در روح و نحوه استفاده‌ی خاص آن در یوحنا ۷، آیه ۳۷ و آیات بعدی را توصیف می‌کند.

نکته دیگری که باید در اینجا، در باب دوم، درباره آن صحبت کنیم، اشاره عیسی به زمان نامعلومی است که او در آن سخن می‌گوید.

وقتی مادر عیسی متوجه می‌شود که کلمه مریم در اینجا استفاده نشده، بلکه فقط از مادر عیسی در فصل ۲ آیه ۱ استفاده شده است. او به او می‌گوید که شراب ندارند. او تقریباً او را سرزنش می‌کند. در واقع، این سرزنش نیست، بلکه نوعی ابراز فاصله است.

یک زن، چرا من را درگیر می‌کنی؟ یا این به من چه ربطی دارد؟ وقت من هنوز نرسیده است. اساساً باید بگویم که این لزوماً مشکل من نیست. من برای انجام این نوع کارها فراخوانده نشده‌ام.

با این وجود، مریم آگاه است که عیسی توانایی حل این مشکل را دارد. او به سادگی به خدمتکاران می‌گوید، هر کاری که او به شما می‌گوید انجام دهید. ببخشید، من باید کمی آب بنوشم.

بنابراین، وقتی عیسی به مریم می‌گوید، ساعت من هنوز نرسیده است، من معتقدم نکته‌ی این حرف این است که بگویم، من قرار نیست اینجا نمایش چشمگیری از رسیدگی به این مشکل ارائه دهم، زیرا زمان من ساعت من، که در یوحنا، همانطور که خواهیم دید، از صلیب، از رستگاری، از مصائب و از عید پاک صحبت می‌کند. هنوز زمان آن نرسیده است. و اگر من اینجا شروع به اعمال قدرت‌های معجزه‌آسا به روشی بسیار آشکار کنم، این باعث می‌شود که توپ خیلی زود به حرکت درآید و همه چیز مثل گلوله برفی شود، و ساعت من هنوز نرسیده است.

بنابراین، به یک معنا، این کمی سرزنش است، نه دقیقاً سرزنش، اما به مریم گفتن، این لزوماً مشکل من نیست. رسیدگی به این مشکل لزوماً کاری نیست که پدر در حال حاضر برای من انجام دهد. بنابراین، داستان در مورد چگونگی رسیدگی عیسی به مشکل، به شیوه‌ای بسیار نامحسوس بیان می‌شود، تا باعث واکنش زیادی به آن نشود.

یک جرعه آب دیگر. بابت انحراف بحث عذرخواهی می‌کنم. بنابراین، اگر قرار است وقت بگذاریم و به این قسمت‌ها نگاهی بیندازیم، می‌توانید این کار را در روزهای آینده انجام دهید، چون وقت دارید.

عیسی چندین بار از زمان خود به عنوان زمان فرا نرسیده صحبت می‌کند و ما را به روزهای پایانی زندگی‌اش در اورشلیم می‌رساند. با این حال، در فصل ۱۲ به ما گفته شده است که زمان او فرا رسیده است و این اساساً به مصائب و صلیب اشاره دارد. بنابراین، زمان ذکر شده در انجیل یوحنا، در فصل‌های ۲، ۷ و ۸، زمانی را که عیسی در اورشلیم خواهد مرد و زنده خواهد شد، پیش‌بینی می‌کند.

اما اصطلاح «ساعت» در بسیاری از جاها در انجیل یوحنا برای توصیف روزهای آینده، آینده آخرالزمانی خدا، «ساعتی در راه است» و «اکنون» نوعی زبان است. به عنوان مثال، وقتی او در یوحنا ۴ با زن سامره صحبت می‌کند، و سپس در یوحنا ۵ و فصل ۱۶ نیز، همانطور که به شاگردان در مورد مشکلاتی که در روزهای آینده با آنها روبرو خواهند شد هشدار می‌دهد، از عبارت «ساعتی هنوز فرا نرسیده است» استفاده می‌کند. بنابراین، «ساعت» در انجیل یوحنا باید مورد بررسی و درک دقیق قرار گیرد.

در یوحنا ۲:۱۱، به ما گفته شده است که این اولین نشانه از معجزات عیسی بود که او در قانای جلیل انجام داد. او جلال خود را آشکار کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. این کلماتی که در اینجا بر آنها تأکید کردیم، همگی کلمات کلیدی در یوحنا هستند.

بنابراین، این اولین معجزه‌ای که عیسی انجام داد، ما را به درک نشانه‌های عیسی، نحوه‌ی آشکار شدن جلال او توسط آنها، و چگونگی ایمان آوردن مردم توسط این تجلی جلال او از طریق نشانه‌ها، سوق می‌دهد.

بنابراین، این بخش کلیدی از الهیات یوحنا است که باید در ادامه‌ی مطالعه‌ی فصل‌های آینده به آن بپردازیم. متشکرم.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه شماره چهار، شهادت یوحنا و اولین نشانه عیسی در جلیل است. یوحنا فصل ۱ آیه ۱۹ تا فصل ۲ آیه ۱۲.